

بررسی وضعیت اجتماعی جزیره خارگ و تأثیر آن بر محیط زندگی کارکنان صنعت نفت

سید امیر طالبیان^۱ - عبدالله عمرانی مجد^۲

چکیده

طی دو دهه اخیر، سازمانها به طور معنا داری تغییر نموده و به سازمان‌هایی با ویژگی‌های عدم تمرکز، جهانی شدن و رهبری مبتنی بر تیم تبدیل شده‌اند. در اینگونه سازمان‌ها نیروی انسانی، سرمایه اصلی سازمان محسوب می‌شده و سازمان‌ها به دنبال بهره‌گیری از قابلیت‌ها و مهارت‌های نیروی انسانی به منظور حداکثرسازی کارایی و بهره‌وری خود می‌باشند. از طرفی استفاده از مفهوم تناسب برای بهره‌گیری و بکارگیری بهتر از توانایی‌ها و مهارت‌های نیروی انسانی حائز اهمیت فراوانی است. منظور از تناسب در اینجا تناسب میان محیط شغلی و محیط زندگی کارکنان است.

امروزه سازمان‌ها و جوامع به دلیل وجود محیط مشترک، از جهات مختلف بر یکدیگر تأثیرات متقابلی می‌گذارند، در چنین شرایطی از یک طرف می‌بایست نحوه فعالیت سازمان‌ها به گونه‌ای باشد که زبانی متوجه جامعه و نیروی انسانی نگردد و از سوی دیگر اجتماعات انسانی قادر باشند سازمان‌ها را در جهت دستیابی هرچه بهتر به اهداف کلان خود یاری نمایند. صنعت نفت نیز از این قاعده مستثنی نیست. بطوریکه موضوعاتی چون بهره‌وری نیروی انسانی، توسعه پایدار، سرمایه انسانی و اجتماعی و... از مباحث مهم در حوزه فعالیت این صنعت، بویژه در مناطق عملیاتی، می‌باشد. این مقاله نتیجه پژوهشی پیمایشی در منطقه نفتی خارگ - به عنوان نمونه موردی^۳ است. در این مقاله با اشاره به اهمیت توسعه اجتماعی در این جزیره و پرداختن به موضوعات اجتماعی کارکنان به عنوان سرمایه‌های انسانی صنعت و لزوم ارزیابی اجتماعی این منطقه نفتی (مانند محیط کار و زندگی کارکنان نفت)، به بررسی وضعیت اجتماعی جزیره و تأثیر آن بر محیط زندگی کارکنان نفت پرداخته می‌شود. بطوریکه با ارائه تصویری کلی از

۱. استادیار و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی - Talebian@iies.net

۲. کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، کارشناس مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی - omranimajd@yahoo.com

3- Case study

شرایط زندگی در این جزیره، بویژه برای کارکنان نفت، ضمن بررسی وضعیت زندگی در جزیره خارگ از نگاه کارکنان نفت، مواردی مانند مشکلات و کاستی‌های منطقه، میزان رضایت از امکانات موجود و اقداماتی که تاکنون صورت گرفته، رابطه مردم و نهادهای مختلف در حوزه تأثیر اقدامات توسعه‌ای، نگرش کارکنان به آینده جزیره خارگ و... مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این مقاله تلاش شده با بهره‌گیری از تئوری‌های علمی و شواهد تجربی نشان داده شود که تحقق اهداف توسعه اجتماعی منطقه نفتی خارگ با هدف تأمین محیط اجتماعی مناسب برای زندگی کارکنان، هم راستای توسعه صنعتی و در جهت دستیابی به اهداف صنعت نفت می‌باشد. ضمناً با تشریح تناسب ساختاری توسعه صنعت نفت و توسعه اجتماعی، الزامات اجرایی آن در منطقه نفتی خارگ ارائه خواهد شد. برخی سؤالاتی که در این راستا مطرح می‌شود عبارتند از: آیا توسعه اجتماعی متناسب با توسعه صنعتی در جزیره خارگ محقق گردیده است؟ ضرورت‌ها، اهداف، الزامات و چالش‌ها در توسعه اجتماعی در جزیره خارگ چیست؟ و در صورت عدم امکان پاسخگویی به اینگونه سؤالات آیا نهایتاً و حتی پس از سالهای متمادی حضور صنعت نفت در جزیره، محیط مناسب برای استقرار و زندگی کارکنان و خانواده‌های ایشان فراهم شده است؟ در مقاله حاضر به اینگونه سؤالات و اینکه اساساً مسوولیت توسعه اجتماعی و ایجاد زیرساخت‌های برای تأمین محیط مناسب حداقلی زندگی استقرار کارکنان در جزیره بر عهده چه کسی است؟ پاسخ داده خواهد شد.

مقدمه‌ای بر توسعه اجتماعی

توسعه به عنوان هدف نظام‌های اجتماعی معاصر از ابعاد مختلفی تشکیل شده است. این ابعاد را در سطح کلان می‌توان شامل بعد سیاسی، بعد اقتصادی و بعد اجتماعی توسعه دانست.

در این میان، توسعه اجتماعی در مقایسه با دو بعد دیگر سابقه چندانی ندارد و می‌توان سر آغاز توجه به آن را سال ۱۹۸۵ یعنی زمان صدور بیانیه کپنهاگ، دانست. با این وجود ابعاد اجتماعی اهمیت زیادی در فراهم ساختن پیش‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی توسعه‌یافتگی مانند جامعه منسجم، پایدار و شفاف دارند. این پدیده‌ها در کنار سرمایه اجتماعی، به عنوان یکی دیگر از عناصر مهم تشکیل دهنده توسعه اجتماعی، نقش مهمی در تضمین کارایی سازمان‌های عمومی (مانند حکومت و اقتصاد) و تأمین کالاهای عمومی (مانند امنیت و رفاه) دارند. مطالعات محققانی مانند رابرت پاتنام، فرانسیس فوکویاما و جیمز کلمن بیانگر اهمیت عوامل اجتماعی و فرهنگی در تحقق شرایط مطلوب برای توسعه می‌باشد.

توسعه اجتماعی حوزه وسیعی است که موضوعات فراوانی چون بهداشت و سلامت، دانش و مهارت، کار دستمزدی، حقوق مدنی و سیاسی، ایمنی و امنیت، محیط زیست و انسجام اجتماعی را در بر می‌گیرد. بسیاری از دولت‌ها، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلفی برای مدیریت و رسیدگی به موضوعات اجتماعی، حتی با نام وزارت توسعه اجتماعی (مثلا در زلاندنو) تشکیل داده‌اند که مسوولیت آنها مطالعه و شناخت مهمترین مسائل اجتماعی و تهیه و تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های اجرائی در این زمینه است. در سطح بین‌المللی بانک جهانی مهمترین سازمانی است که به توسعه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین محورهای کاری خود پرداخته است. موضوعات مورد توجه این بانک در این عرصه عبارتند از: توسعه اجتماع محور، پیش‌گیری از منازعه و بازسازی، مردمان بومی، جابجایی ناخواسته، مشارکت و فعالیت‌های مدنی، تحلیل اجتماعی و سرمایه اجتماعی.

بانک جهانی پس از کسب تجارب مختلف که در آنها عوامل اقتصادی اهمیت داشت به این نتیجه رسید که دستیابی به توسعه پایدار و رفاه، هنگامی میسر خواهد بود که در کنار توجه به رشد اقتصادی به توسعه اجتماعی نیز پرداخته شود. این بانک سه اصل را برای توسعه اجتماعی تعریف نموده که عبارتند از: جامعیت^۱، شمولیت^۲ و محاسبه‌پذیری^۳ آنچه برای این نهاد اهمیت دارد این است که پایداری اجتماعی در تمامی برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته و رعایت شود.

در سال ۱۹۹۵ سازمان ملل متحد بر توسعه اجتماعی به عنوان ریشه و بنیان توسعه اقتصادی تاکید و به ابعاد کیفی و اهداف انسانی آن (وجود میلیون‌ها انسان گرسنه و فقیر علیرغم رشد اقتصادی جهان) توجه نمود. ریشه‌های نظری و فکری توسعه اجتماعی به عنوان شیوه‌ای از اندیشیدن به اندیشه‌های هگل، اگوست کنت، ادام اسمیت و به سال‌های بعد از جنگ جهانی اول که مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته از یکدیگر متمایز شدند، بازمی‌گردد. با این وجود، طی دهه‌های اخیر بود که «توسعه» فراتر از پیشرفت‌های فیزیکی در یک زمینه خاص تلقی شده و به آن به عنوان «شیوه‌ای از اندیشیدن»^۴ که در آن مردم بیشتر از مادیات و تکنولوژی محدودیت دارند، نگریسته شده است. در سال ۱۹۸۴ کرتن و الفونسو اساس و بنیان و در کل فرآیند توسعه را معادل توسعه اجتماعی تعریف نمودند، بدین معنی که هدف اساسی و

1. Inclusion
2. Cohesion
3. Accountability
4. A way of thinking

غایی توسعه، مردم هستند و توانایی‌ها، تخصص‌ها و مهارت‌های آن‌ها منبع غایی و فعال توسعه می‌باشد. بنابراین آنچه باید به آن توجه نموده و اهمیت قائل شویم آن است که:

ورود یک صنعت فوق مدرن و با سطح تکنولوژی بسیار بالا، هم نظام‌های اجتماعی محلی و هم شخصیت عاملان فردی را به سهولت و به سرعت دگرگون می‌سازد و منشاء تغییرات فراوانی می‌شود. مدیریت کارآمد این دگرگونی‌ها می‌تواند منجر به تسهیل، تسریع و تعمیم رشد صنعت فوق در چارچوب توسعه منطقه و آمایش سرزمین گردد. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی‌های غیرواقع بینانه و یا واگذاری آن و عدم توجه به تأثیر اجتماعات محلی بر پیشبرد امر توسعه صنعتی می‌تواند شرایط عمومی رشد و گسترش و حتی تثبیت آن را به چالش بکشد. تعادل و توازن منطقه‌ای کشور براساس موازین آمایش سرزمین و بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌های اجتماعی و طبیعی سرزمین و چیدمان منطقی برنامه‌های توسعه با رعایت هماهنگی میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی توسعه، مستلزم استمرار کلیت یکپارچه زندگی اجتماعی است.

زندگی اجتماعی «کلیت» یکپارچه‌ای است که ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، جمعیتی و ... دارد و تفکیک این ابعاد از یکدیگر فقط در عالم ذهن و بر روی کاغذ میسر است و در عالم واقعیت آنچنان تأثیر متقابل و پیچیده‌ای بر یکدیگر دارند که جداسازی آنها غیرممکن است. نمی‌توان ماهیت طرح صنعت نفت را ماهیتی اقتصادی دانست، زیرا جنبه‌ها و پیامدهای گوناگونی دارد که نمی‌توان از آنها غافل ماند، در غیر اینصورت ممکن است مقوله‌های به اصطلاح جانبی، محور کار را از حالت تعادل خارج نماید. توسعه، به هیچ وجه امری صرفاً اقتصادی نیست؛ توسعه امری کیفی - انسانی است که انسان از جهات مختلف در کانون آن قرار دارد. کمیت‌های اقتصادی منفک از کیفیت‌های زندگی معنایی ندارند، و این امر هم بدیهی است که تحول کیفیت زندگی (فردی و جمعی) نیز بدون شک نیازمند کمیت‌های اقتصادی و فناوری است. ولی شاید این نکته چندان نادرست نباشد که اصل، کیفیت زندگی است و توجه به کمیت‌ها بدون توجه به کیفیت‌ها، ارزش چندانی ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مسأله:

مسأله اصلی مورد نظر در مطالعه حاضر این است که «چرا خارگ در حال حاضر فاقد محیط مناسب زندگی است؟» در ذیل به برخی از ابعاد مسأله‌ای خارگ از منظر موضوع مطالعه حاضر اشاره می‌گردد:

خارگ محل صدور بیش از ۹۰ درصد نفت خام ایران است و از این جهت شاید استراتژیک‌ترین نقطه اقتصادی کشور باشد. چنین مکانی باید در مقابل هرگونه تنش یا عامل اختلال در توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی و امنیتی، ایمن باشد. از همین رو انجام مطالعات دوره‌ای در خصوص وضعیت آن ضروری است.

علیرغم اهمیت و جایگاه خارگ در اقتصاد ایران، میزان توسعه‌یافتگی آن حتی در مقایسه با میانگین روستاهای کشور، پایین‌تر است.

توسعه‌نیافتگی خارگ سبب بروز نارضایتی‌هایی در میان مردم بومی و کارکنان صنعت نفت در این جزیره شده که این مسئله به خودی خود و با توجه به اهمیت جزیره در حیات اقتصادی و سیاسی کشور، حائز اهمیت و قابل بررسی است.

تنش‌های موجود در خارگ، تنها نشانه نارضایتی بومیان منطقه و ایجاد خسران برای ایشان نیست، بلکه زیان بسیاری را متوجه عملکرد صنعت نفت و توسعه صنعتی در این منطقه نموده است.

جزیره خارگ فضایی محدود و در عین حال بسیار مهم است، بنابراین هرگونه گسترش فضاهای صنعتی و توسعه فعالیت اقتصادی در این جزیره، نیازمند مطالعاتی گسترده، بی‌طرفانه و دقیق است. از همین رو هرگونه اقدام به توسعه صنعتی و ایجاد تأسیسات در جزیره باید توأم با مطالعات ارزیابی اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی صورت پذیرد.

خارگ فقط فضایی برای توسعه صنعت نفت و کسب درآمد اقتصادی نیست. این جزیره محدوده‌ای تاریخی-فرهنگی است که به سبب وجود تعداد زیادی بناهای تاریخی و آثار به جا مانده از گذشته‌اند، اهمیت فرهنگی و تاریخی فراوانی برخوردار است. همچنین این جزیره در منطقه خلیج فارس دارای موقعیت نظامی- استراتژیکی است و به عبارتی یکی از خطوط مقدم نظامی کشور نیز به حساب می‌آید. در ضمن خارگ به این دلیل که دائماً در معرض دید کارکنان کشتی‌های خارجی قرار دارد، نمایشگاهی از قابلیت‌های کشور نیز هست و به این لحاظ از نظر وجهه بین‌المللی اهمیت زیادی دارد.

بنابراین در خصوص جزیره خارگ جا دارد به این نکته بپردازیم که آیا حضور مردمی با خصوصیات بررسی شده در تحقیق اخیر آقای دکتر فاضلی^۵ تا چه اندازه ضروری است؟ و آیا حضور جمعیتی معادل ۸۱۰۶ نفر که برخی از آنان حتی سال‌های متمادی است که در جزیره ساکن هستند و دارای ریشه و سابقه طولانی در این خاک هستند برای صنعت نفت یک فرصت است یا یک مزاحمت؟ در صورتیکه پاسخ این سوال مشخص شود سوالات بعدی آن است که تا چه زمانی بایستی کارکنان صنعت نفت به صورت اقماری در جزیره اشغال داشته باشند و آیا نمی‌توان زیرساخت‌ها و الزامات لازم برای توسعه اجتماعی به معنای پیش گفته را برای تأمین رفاه کارکنان و بومیان در جزیره فراهم نمود؟ در اینجا با ارائه خلاصه‌ای از مشخصات عمومی جزیره خارگ، نگاهی اجمالی به وضعیت زندگی بومیان در شرایط فعلی جزیره خواهیم داشت تا ابعاد سوالات پیش گفته مشخص‌تر گردیده، فاصله وضعیت فعلی زندگی انسانی تا استقرار شرایط مطلوب زیست محیطی و اجتماعی متناسب با حجم گسترده سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه صنعتی جزیره نمایان شده و نهایتاً و لافلاً برای آینده آتی مسوولیت ترمیم تصویر محیط مناسب زندگی کارکنان معین گردد.

مشخصات عمومی جزیره خارگ

موقعیت جغرافیایی و اراضی خارگ:

خارگ یکی از ۱۳۰ جزیره خلیج فارس است. فاصله آن از نزدیک‌ترین نقطه به خشکی اصلی ایران ۳۶ کیلومتر و بلندترین نقطه این جزیره ۹۰ متر ارتفاع دارد. طول تقریبی این جزیره ۱۰ کیلومتر و عرض آن ۴ تا ۵ کیلومتر و جزیره‌ای مرجانی است که از نظر طبیعی به دلیل عمق کافی دریا در ساحل آن برای پهلو گرفتن کشتی‌ها، وجود آب شیرین در جزیره و پوشش گیاهی مناسب و خاک قابل کشاورزی اهمیت دارد. وجود اماکن مذهبی قدیمی و برخی آثار باستانی موجب گردیده این جزیره از اهمیت تاریخی و میراث فرهنگی نیز برخوردار گردد. این جزیره بخشی از استان بوشهر است و تا مرکز این استان ۵۷ کیلومتر فاصله دارد و از سال ۱۳۳۶ این جزیره برای پهلو گرفتن نفتکش‌ها و صادرات نفت در نظر گرفته شده و از آن تاریخ تاکنون صادرات نفت عمده‌ترین کارکرد جزیره خارگ بوده و یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مکان‌های بارگیری نفت خام در جهان است.

۱. این تحقیق در سال ۱۳۸۸ در جزیره خارگ انجام شد تا نتایج آن در همایش «چشم‌انداز توسعه پایدار، یکپارچه و دانامحور» مطرح گردد.

جمعیت خارگ

بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ کشور، جزیره خارگ دارای ۱۹۶۳ خانوار ساکن و ۸۱۹۶ نفر جمعیت است. این تعداد فقط شامل جمعیت ساکن خارگ است که بر اساس معیارهای سرشماری جزء جمعیت خارگ محسوب می‌شوند. به این ترتیب کارکنان اقماری، کارگران و کارکنانی که محل زندگی اصلی آن‌ها در سایر مناطق است و فقط در این جزیره کار می‌کنند جزء جمعیت خارگ به حساب نمی‌آیند. با این حال این گروه نیز تأثیرات خود را بر جزیره به جا می‌گذارد. آمارهای مختلف جمعیت حاضر در جزیره را تا ۲۰ هزار نفر برآورد می‌کنند.

طبق برآوردهای سرشماری سال ۱۳۸۵، از کل جمعیت ساکن خارگ ۴۹۳۶ نفر مرد و ۳۲۶۰ نفر زن هستند. جمعیت باسواد جزیره ۷۰۳۷ نفر (۴۳۷۲ نفر مرد و ۲۶۶۵ نفر زن) و جمعیت بی‌سواد نیز ۳۰۶ نفر (۱۳۷ نفر مرد و ۱۶۹ نفر زن) است. در سال ۱۳۷۵ ساکنان جزیره خارگ ۱۵۶۲ خانوار و تعداد جمعیت ۷۴۸۴ نفر بوده است. یعنی طی ۱۰ سال، ۴۰۱ خانوار (۷۱۲ نفر) به جمعیت ساکن آن اضافه شده است. این آمارها کارگران و سایر نیروهای که برای کار به صورت رفت و آمدی به جزیره می‌آیند دربرنمی‌گیرند. با این حال نشان می‌دهد که حتی بدون محاسبه افزایش جمعیت ناشی از بیشتر شدن گستره فعالیت‌های صنعتی در جزیره و ورود نیروی کار، جمعیت جزیره افزایش یافته است.

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵ از ۵۴۴۵ نفر جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر، ۳۶/۱۸ درصد شاغل، ۱/۹۱ درصد بیکار (جویای کار)، ۳۱/۵۵ درصد محصل، ۲۷/۰۹ درصد خانه‌دار و ۱/۰۸ درصد دارای درآمد بدون کار بوده و بقیه از نظر وضع فعالیت با هیچ یک از طبقات فوق مطابقت نداشته (سایر) یا وضع فعالیت خود را اظهار نکرده‌اند. در طبقه‌بندی شاغلان برحسب گروه‌های عمده فعالیت از ۱۹۷۰ نفر شاغل ۱۰ ساله و بالاتر این شهر ۲/۶۹ درصد در بخش کشاورزی، ۵۰/۳۶ درصد در بخش صنعت، ۴۶/۴۰ درصد در بخش خدمات و بقیه در سایر گروه‌های عمده فعالیت مشغول بوده‌اند.

جمعیت ساکن در خارگ به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: بومیان خارگ و کارکنان وابسته به شرکت‌های تابعه وزارت نفت، نیروهای نظامی یا سایر سازمان‌هایی که در خارگ فعالیت می‌کنند. این دو گروه به لحاظ جغرافیایی نیز از یکدیگر جدا بوده و در مناطق جداگانه‌ای سکونت دارند. نزدیک به ۷ درصد مساحت کل جزیره به منطقه سکونت بومیان دارد. این گروه یا از ساکنان اصلی جزیره بوده و نسل در نسل در آن زندگی کرده‌اند یا آنکه با آغاز به‌کار

تأسیسات نفتی به این منطقه مهاجرت نموده و به تدریج و تقریباً طی ۵ دهه به صورت ساکنان بومی منطقه درآمده‌اند. خط فاصل دقیق و روشنی، مرزهای جغرافیایی بین ساکنان بومی و منازل کارکنان شرکت‌های تابعه وزارت نفت را از هم جدا کرده است.

خلاصه ساختار اقتصاد جزیره

به‌طور کلی ساختار اشتغال در جزیره خارک ترکیبی از شاغلان تأسیسات صنعتی - نفتی، مشاغل نیروهای مسلح، شرکت‌های پیمانکاری، ادارات و شاغلان شهر خارک است. این ترکیب مشاغل، وضعیت اقتصادی جزیره را نیز ترسیم می‌کند. عمده فعالیت اقتصادی در جزیره، تولید و صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی است که حد تولید و ارزش آنها فراتر از اقتصاد خارگ بوده و دارای اهمیت ملی است. شرکت‌های پیمانکاری نیز غالباً در خدمت توسعه صنعتی و کارهای مرتبط با صنعت نفت در منطقه هستند. ادارات و سازمان‌ها یا در زمره سازمان‌های عمومی نظیر آموزش و پرورش هستند که مستقیماً با نفت ارتباط ندارند یا سازمان‌هایی نظیر اداره بنادر هستند که فعالیت اصلی آنها در جزیره مرتبط با نفت است.

حیات اقتصادی بخش بومینشین جزیره به دو بخش مرتبط و غیرمرتبط با فعالیت‌های صنعتی نفتی تقسیم می‌شود. مشاغل خدماتی (نظیر خرده‌فروشی)، صیادی و کشاورزی ارتباط مستقیم یا وابستگی به نفت ندارند (هر چند تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند) برخی از مشاغل و فعالیت‌ها نیز در بخش بومینشین مستقیماً در ارتباط با توسعه صنعت نفت است. (فعالیت‌هایی نظیر اجاره‌داری و حمل و نقل در این دسته قرار دارند). نکته بسیار جالب توجه در زمینه اقتصاد خارگ، جدایی نسبی میان حیات اقتصادی بخش بومینشین و بخش مربوط به تأسیسات نفتی و منطقه زندگی کارکنان این تأسیسات است که همین امر نیز پیامدهایی را برای منطقه بومینشین و بروز وضع فعلی خارگ به همراه داشته است.

بررسی برخی از شاخص‌های وضعیت زندگی بومیان در شرایط فعلی جزیره وضعیت آب:

برای بررسی وضعیت آب خارگ بهتر است ابتدا به شواهدی از وضعیت آبرسانی به روستاها و سرانه مصرف آب در کشور توجه شود. بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۸۵ کشور، جزیره خارگ دارای ۱۹۶۳ خانوار ساکن و ۸۱۹۶ نفر جمعیت است. طبق خوشبینانه‌ترین برآوردها، حداقل جمعیت ساکن در بخش بومینشین جزیره با احتساب کارگران مهاجر (که در آمارهای سرشماری جمعیت خارگ به حساب نمی‌آیند) بیش از ۱۰ هزار نفر است. بر اساس گفته اعضای شورای شهر خارگ، در زمان فعالیت شرکت عملیات عمومی خارگ، روزانه ۱۴۰ متر مکعب آب

به بخش بومینشین تحویل می‌شود.^۶ (یعنی سالیانه ۵۱۱۰۰ مترمکعب آب). با در نظر گرفتن جمعیت ۱۰ هزار نفری خارگ، سرانه آب برای مردم در بخش بومینشین، ۵/۱۱ متر مکعب خواهد بود. با توجه به میانگین بعد خانوار در بخش بومینشین (۶/۷۳) نفر، سرانه مصرف آب هر مشترک بخش خانگی در خارگ ۳۴/۳۹ متر مکعب است. جالب توجه این‌که:

متوسط مصرف سرانه آب لوله‌کشی در ایران حدود ۱۴۲ مترمکعب در سال است که از کشورهای پرآب اروپایی مانند اتریش (۱۰۸ مترمکعب) نیز بیشتر است. جالب توجه‌تر آن‌که طبق گزارش گزیده شاخص‌ها و نماگرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان تهران در سال ۱۳۸۵، میانگین آب مصرفی هر مشترک خانگی در این استان ۲۳۶ متر مکعب است. بر اساس آمار سالنامه آماری لرستان در سال ۱۳۸۵، میزان فروش آب لوله‌کشی به مشترکین خانگی شهری این استان نیز به‌طور متوسط ۲۷۷ متر مکعب بوده است.^۷ همچنین در آبان سال ۱۳۸۵ از ۱۴۵۴۴۵ خانوار روستایی استان لرستان ۱۱۹۳۳۳ خانوار (۸۲ درصد خانوارهای روستایی) مصارف آشامیدن و پخت و پز خود را با استفاده از شبکه عمومی آب لوله‌کشی تأمین می‌کرده‌اند.

وضعیت ساختمان‌ها و مسکن:

۳۳/۸ درصد منازل بومیان منطقه با استفاده از مصالح خشت، گل و چوب ساخته شده است. بررسی این وضعیت با سایر مناطق کشور می‌تواند شرایط کلی مسکن در خارگ را بهتر به نمایش بگذارد. بر اساس اطلاعات ارائه شده در سالنامه آماری سال ۱۳۸۵ استان بوشهر، در آبان سال ۱۳۷۵ در مجموع ۱۱۶۲۰۹ خانه در این استان وجود داشته (آمار برای سال ۱۳۸۵ ارائه نشده است) که از این تعداد ۱۰۴۷۳۴ خانه با مصالح جدید (آهن، سیمان، بلوک سیمانی، آجر) ساخته شده بودند. مجموع تعداد بناهای ساخته شده با خشت و چوب یا خشت و گل ۶۹۱۴ خانه بوده است. به این ترتیب تنها ۵/۹ درصد منازل استان بوشهر در سال ۱۳۷۵ با مصالح خشت، گل و چوب ساخته شده که این رقم پنج برابر کمتر از بناهای خشت و گلی در خارگ در سال ۱۳۸۶ است.

۱. طبق مندرجات سالنامه آماری بوشهر در سال ۱۳۸۵ شهرهای آبیخش، آبدان، امام حسن، بردخون، جم، خارگ، دالکی، دلوار و وحدتیه تحت پوشش شرکت آب و فاضلاب بوشهر نیستند. بنابراین، آمار مربوط به مصرف و تولید آب در این شهرها در سالنامه آماری بوشهر درج نمی‌شود.

۲. سالنامه آماری لرستان، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۸

در تقسیمات کشوری خارج بخشی از شهرستان گناوه است. بر اساس آمار موجود، در سال ۱۳۷۵ تنها ۵۴۷ واحد مسکونی از ۱۱۲۵۲ واحد این شهرستان با مصالح سنتی خشت، گل و چوب (۴/۸ درصد) ساخته شده بودند. همچنین بر اساس جدول ۲۰-۹ سالنامه آماری بوشهر در سال ۱۳۸۵، تنها ۱۱/۱ درصد منازل روستایی استان بوشهر در سال ۱۳۷۵ با مصالح خشت، گل و چوب ساخته شده بودند. مقایسه این رقم با رقم ۳۳/۸ درصدی در خارج، میزان نامناسب بودن منازل مردم در خارج را نشان می‌دهد.

مطابق سالنامه آماری کشور در آبان‌ماه سال ۱۳۸۵ کل واحدهای مسکونی کشور ۱۵۸۵۹۹۲۶ بوده که از این تعداد ۱۱۴۳۱۸۸۰ واحد در مناطق شهری و ۴۴۲۸۰۴۶ واحد در مناطق روستایی قرار داشته‌اند. جمع واحدهای مسکونی ساخته شده با خشت، گل و چوب در مناطق شهری ۲۸۹۰۶۲ و در مناطق روستایی ۸۴۰۰۷۰ واحد بوده است. به این ترتیب ۱۸/۹۷ درصد منازل روستایی و ۲/۵۲ درصد منازل شهری با مصالح سنتی خشت، گل و چوب ساخته شده‌اند^۱. با توجه به این‌که خارج منطقه‌ای شهری به حساب می‌آید می‌توان میزان توسعه‌نیافتگی بخش مسکن در این جزیره را مشاهده کرد.

وضعیت هزینه و درآمد خانوار:

بر اساس اظهارات پاسخ‌گویان میانگین درآمد خانوارهای بومی خارج ۳۴۶۴۰۰ تومان در ماه است و با توجه به نتایج می‌توان درآمد ۳۰۰ هزار تومان در ماه را مقدار درآمد اغلب خانوارهای بومی خارج در نظر گرفت. میانگین هزینه‌های خانوارهای بومی نیز در هر ماه نزدیک به ۳۵۰ هزار تومان و نمای آن ۳۰۰ هزار تومان است. کمترین هزینه خانوار ۳۵ هزار تومان و بیشترین آن ۱/۵ میلیون تومان است. در واقع هزینه ماهیانه ۷۷/۱ درصد (دو سوم) از خانوارهای بومی بیشتر از ۳۰۰ هزار تومان است.

این ارقام را می‌توانیم با متوسط ارقام هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در استان بوشهر و کل کشور مقایسه کنیم. سالنامه آماری استان بوشهر در سال ۱۳۸۵، متوسط کل هزینه سالانه خانوارهای شهری بوشهر ۶۰۲۴۸۳۵۵ ریال (ماهانه ۵۰۲۰۶۹۰ ریال) و متوسط هزینه سالانه خانوارهای روستایی ۵۰۴۵۷۷۹۴ ریال (ماهانه ۴۲۰۴۸۱۰ ریال) است. در همین زمان متوسط درآمد یک خانواده شهری ۶۶۳۲۱۵۷۰ ریال (۵۵۲۶۷۹ تومان) و متوسط درآمد یک خانواده روستایی ۴۸۵۴۴۸۶۳ ریال (۴۰۵۵۴۰۰ ریال) برآورد شده است. مقایسه اعداد به

۱. سالنامه آماری ایران، ۱۳۸۵

دست آمده از کل استان با ارقام هزینه و درآمد به جزیره خارگ نشان می‌دهد که سطح کلی هزینه و درآمد در این جزیره از سطح کلی هزینه و درآمد در استان بوشهر (که خود از محروم‌ترین استان‌های کشور است) نیز کمتر است. اما این ارقام را می‌توانیم با ارقام به دست آمده از آمارهای کشوری نیز مقایسه کنیم. مرکز آمار ایران بر اساس نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوار در سال ۱۳۸۵، میانگین درآمد هر خانوار شهری و روستایی را به ترتیب ۶۵۵۰۹۱۸۰ (ماهانه ۵۴۵۹۰۹۰ ریال) و ۳۹۱۲۸۸۳۰ ریال (ماهانه ۳۲۶۰۷۳۰ ریال) در سال اعلام کرده است. مشاهده می‌شود که مقدار درآمد بومیان خارگ بسیار کمتر از متوسط درآمد خانوارهای شهری کل کشور است و با در نظر گرفتن اینکه درآمد ماهیانه اکثر بومیان خارگ برابر ۳ میلیون ریال است، سطح درآمد آنها از میانگین درآمد روستائیان کشور نیز پایین‌تر است.

وضعیت برخی خدمات عمومی:

فقدان احداث راه‌های مناسب و عدم بهبود وضعیت جاده‌ها در خارگ در شرایطی مشاهده می‌شود که در فاصله سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۵ تغییرات عمده‌ای در وضعیت راه‌های استان بوشهر بخصوص در زمینه بزرگراه‌ها رخ داده است. این در حالی است که نزدیک ۴ دهه است که احداث کمربندی دور جزیره خارگ انجام نشده و احداث تنها جاده در نظر گرفته شده در طرح جامع نیز هنوز محقق نشده است. همچنین ۳۷۸ روستای استان بوشهر، در سال ۱۳۸۴ دارای راه روستایی آسفالت‌ناسب بوده‌اند. در ضمن در این سال از کل ۱۴۳۱/۷۹ کیلومتر راه روستایی، ۹۳۱/۷۳ کیلومتر راه‌های آسفالت‌ناسب بوده است. این در حالی است که در واقع هیچ جاده آسفالت‌ناسبی در خارگ وجود ندارد. بر اساس آمار معاونت عمرانی استانداری بوشهر، کل فضای سبز شهری خارگ ۱/۵ هکتار است و دو پارک به مساحت ۹ هزار متر مربع نیز در این شهر وجود دارد. این شهر دارای ۱ ماشین حمل زباله است که ۳۶۰۰ تن زباله را در سال ۱۳۸۵ جابه‌جا کرده است. این میزان حمل زباله بیشترین مقدار میانگین حمل در سطح استان بوشهر است. در حالی که شش شهر استان دارای میادین میوه و تره‌بار هستند، خارگ فاقد چنین امکانی است.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه روش‌های پیمایشی و اسنادی می‌باشد.

نحوه نمونه گیری

با احتساب ترکیب جمعیتی سال ۱۳۸۱ می‌توان گفت ۳۷۹۸ نفر ساکنان جزیره را بومیان و ۴۳۹۷ نفر را کارکنان وزارت نفت تشکیل می‌دهند. تقریباً نیمی از کارکنان صنعت نفت نیز به صورت ادواری و ساکن غیردائم هستند. به این ترتیب جمعاً ۲۲۰۰ نفر از کارکنان صنعت نفت ساکن دائم جزیره هستند. با در نظر گرفتن بعد خانوار (۴/۱۷ نفر) می‌توان تعداد خانوارهای بومی جزیره را ۹۱۱ و تعداد خانوارهای کارکنان صنعت نفت را ۵۲۷ خانوار برآورد کرد. بنابراین تعیین حجم نمونه برای اجرای دو پیمایش مربوط به بومیان و کارکنان وزارت نفت در خارگ باید با توجه به این ارقام صورت می‌گرفت که در نهایت با استفاده از فرمولهای تعیین حجم نمونه (کوکران) در تحقیق حاضر به ترتیب حجم نمونه در بخش بومیان ۲۵۰ و در بخش کارکنان صنعت نفت ۲۱۶ نمونه تعیین گردید. بعد از بازبینی پرسشنامه و حذف پرسشنامه‌های غیرقابل استفاده، ۲۰۷ پرسشنامه مربوط به بخش بومینشین و ۱۷۸ پرسشنامه مربوط به بخش کارکنان وزارت نفت برای تحلیل در نظر گرفته شد.

فرایند تحقیق میدانی

تیم تحقیق مجری عملیات پژوهش میدانی در جزیره خارگ شامل ۱۳ نفر بود که ۸ نفر پرسشگر و مسئول اجرای پرسشنامه‌ها و ۵ نفر دیگر اعضای تیم پژوهش کیفی بودند که مصاحبه‌های عمیق را انجام می‌دادند. تیم تحقیق در فاصله ۱۱ تا ۲۰ شهریورماه ۱۳۸۶ در جزیره خارگ مستقر و عملیات جمع‌آوری اطلاعات را انجام دادند و پس از آن، عملیات بازبینی و کنترل پرسشنامه‌ها و پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده صورت پذیرفت.

خلاصه نتایج بررسی دیدگاه بومیان و کارکنان صنعت نفت نسبت به نفت و جزیره خارگ

الف: دیدگاه بومیان

میزان تحصیلات خانوارهای بومی خارگ پایین و با توجه به نوع امکانات آموزشی مستقر در جزیره، میزان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سطح بسیار پایینی است. بنابراین یکی از موانع عمده در برابر اشتغال بیشتر بومیان و ارتقای سطح شغلی آن‌ها در تأسیسات موجود در خارگ، سطح تحصیلات و مهارت ایشان است.

مشاغل بومیان با توجه به میزان تحصیلات و مهارت (و همچنین برخی عوامل دیگر که در تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع محلی به تفصیل درباره آنها بحث خواهد شد) بیشتر از جنس مشاغلی است که در قیاس با مشاغل تخصصی غیربومیان مستقر در خارگ، منزلت پایین‌تری داشته و همین امر، صرف‌نظر از علل آن، نوعی احساس نابرابری و تبعیض را

در میان بومیان ایجاد کرده است. در ضمن عمده‌ترین مشاغل سنتی بومیان نظیر صیادی نیز در اثر تحولات صورت گرفته در جزیره از میان رفته یا اهمیت آنها به شدت کاهش یافته است. بنابراین در مجموع بومیان خارگ ایجاد تأسیسات جدید را به نفع مشاغل خود نمی‌دانند. تحلیل داده‌های به دست آمده درباره علل موافقت بومیان با احداث تأسیسات جدید در خارگ نیز نشان می‌دهد که عمده‌ترین دلیل موافقت آنها، امید به ایجاد اشتغال و بهبود وضعیت بیکاران است.

یک نکته مهم دیگر در خصوص مشاغل بومیان این است که بومیان عمدتاً در بخش خصوصی و در مشاغلی نظیر مغازه‌داری فعالیت می‌کنند. توسعه این بخش از فعالیت اقتصادی، نیازمند توسعه حمل و نقل دریایی و برخی تحولات در ساختار رابطه اقتصادی میان شرکت‌های تابع وزارت نفت در خارگ و بومیانی است که به این مشاغل اشتغال دارند. در حال حاضر نه صنعت حمل و نقل برای تأمین کالا توسعه یافته و نه ارتباط قوی میان نیازمندی‌های شرکت‌ها و این بخش از اقتصاد خارگ وجود دارد. لذا بومیان از این فعالیت اقتصادی خود نیز احساس رضایتمندی نمی‌کنند.

وضعیت زمین و مسکن واقعا از هر دو بابت کیفیت و کمیت در حالت نامناسبی قرار دارد. اولاً مقدار زمین اختصاص داده شده به بومیان برای تأمین نیازمندی‌های آنها کافی نیست. از سوی دیگر ورود تعداد زیاد افراد غیربومی، قیمت زمین و مسکن را تا حد زیادی افزایش داده است. متوسط درآمد ماهیانه هر فرد در خارگ برابر با اجاره یک خانه است. به این ترتیب مردم می‌توانند سؤال کنند افراد فاقد خانه چگونه باید همزمان از عهده اجاره خانه و سایر مخارج زندگی برآیند. از سویی دیگر، کیفیت خانه‌ها نیز قابل تأمل است. خارگ به معنای واقعی فاقد یک بافت شهری و متفاوت از بافتی روستایی است. ظاهر و کیفیت خانه‌ها نامناسب است و چنان‌که نشان دادیم بخش قابل توجهی از خانه‌ها به امکاناتی نظیر آشپزخانه، حمام و دست‌شویی بهداشتی نیز مجهز نیستند. گذشته از این‌ها مالکیت اراضی و خانه‌ها نیز در خارگ نامشخص و این امر نیز یکی از موانع عمده در برابر نوسازی منطقه بومینشین است.

مردم خارگ از کیفیت ارائه خدمات عمومی در این منطقه ناراضی هستند و تنها ارائه خدمات در مرکز بهداشتی و درمانی وزارت نفت در این منطقه است که تا حدودی (در مقایسه با بقیه خدمات) رضایت نسبی مردم را به دنبال داشته است. مردم این جزیره بالاخص از فقدان وسایل حمل و نقل عمومی درون‌شهری و برون‌شهری و نبودن فروشگاه‌ها و مراکزی که وسایل ضروری مردم را ارائه کنند ناراضی هستند.

فقدان آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، گرانی زمین و مسکن، فقدان سیستم فاضلاب شهری، فقدان سیستم حمل و نقل درون شهری و فقدان امکانات بهداشتی مهم‌ترین مشکلات مردم خارگ هستند. بالاخص فقدان آب بهداشتی و نبودن سیستم فاضلاب شهری دو منبع عمده بروز بیماری‌های مختلف در این شهر به شمار می‌روند.

مثبت‌ترین بخش اطلاعات به دست آمده مربوط به وضعیت آسیب‌های اجتماعی در خارگ است. گذشته از وضع اعتیاد (بیش از نیمی از جمعیت نمونه معتقدند که استعمال مواد مخدر در جزیره زیاد است و یک‌سوم از افراد مورد مطالعه عنوان کرده‌اند که در خانواده یا فامیل‌شان معتاد دارند) وضعیت سایر آسیب‌های اجتماعی در موقعیت نامناسبی قرار ندارد. نکته قابل تأمل، چگونگی ورود مواد مخدر به منطقه‌ای است که دارای حصر جغرافیایی و مقررات سخت‌گیرانه ورود و خروج است. از سویی دیگر باید توجه داشت که خارگ منطقه‌ای بسیار حساس و راهبردی است و شیوع اعتیاد به حدی که در این گزارش بازتاب یافته، می‌تواند عواقب بسیار نامناسبی برای کل کشور داشته باشد.

این فرضیه که تعداد زیادی از بومیان خارگ به سایر شهرها مهاجرت کرده‌اند درست است، هرچند. مهاجران، اکثریت جمعیت خارگ را تشکیل نمی‌دهند. مقصد بیشتر مهاجران شهر شیراز بوده است. همچنین این فرضیه نیز درست است که مهاجران خانه‌های خود را به صورت اجاره‌ای در اختیار افراد غریبه قرار داده‌اند، ولی این کار نیز منافاتی با حقوق مالکیت و شهروندی این گروه ندارد و نمی‌تواند دست‌آویزی برای نقصان ارائه خدمات و عدم بهبود وضعیت اجتماعی این جزیره باشد.

بررسی نگرش‌های مردم نسبت به نهادهای سیاسی و اقتصادی موجود در خارگ نشان می‌دهد که شخص امام جمعه بیشترین محبوبیت و نفوذ را در بین مردم دارد و نهادهایی که به نوعی حاکمیتی محسوب می‌شوند و ارتباط آن‌ها با بومیان بیشتر است در رده‌های بعدی قرار دارند (بخشداری، شورای شهر و شهرداری). از سویی دیگر مردم وزارت نفت و شرکت‌های مستقر در جزیره را قدرتمندترین نهادها و مؤثرترین آن‌ها در بهبود وضعیت جزیره می‌دانند و معتقدند که همین نهادهای اقتصادی بیشترین کوتاهی و تبعیض را در حق ایشان روا داشته‌اند. جالب توجه این که مردم بیش از آن که دولت مرکزی را مسئول وضعیت به‌وجود آمده در خارگ بدانند، وزارت نفت و شرکت‌های مستقر در جزیره را مسئول می‌دانند. نکته جالب توجه دیگر این که بومیان معتقد اهمیت مسائل خارگ برای نمایندگان استان بوشهر در مجلس و استانداری بوشهر بسیار اندک است و آن‌ها را در کنار وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آن قرار

می‌دهند. به نظر می‌رسد هر گونه نفوذ در بین مردم بومی و تلاش برای جلب همکاری آنها (مشروط به تأمین منافع مشروع ایشان) باید از طریق نهادهای مورد اعتماد مردم صورت گیرد. بومیان وعده‌های تحقق نیافته بسیاری را به خاطر دارند که تحقق آنها را از مقامات ارشد کشور شنیده‌اند و در کل از میزان تحقق آنها ناراضی هستند. وعده تأمین آب آشامیدنی بهداشتی در صدر این موارد قرار دارد و تحقق آن از آرزوهای بومیان است.

گزینه انتقال بومیان به جزیره خارگ و (حتی در صورتی که زیرساخت‌های لازم برای زندگی در این جزیره آماده باشد)، مطلوب اکثریت بومیان خارگ نیست. از سویی دیگر حتی آن بخش از بومیان که مخالفت آشکار خود با انتقال به خارگ و را بیان نکرده‌اند، ایجاد تأسیسات و زیرساخت‌های لازم برای زندگی در این جزیره در کوتاه‌مدت را باور ندارند. به علاوه سابقه ذهنی آنها از نوع برخورد مدیریت کشور با مسأله بومیان و حل نشدن مشکلات آنها بعد از گذشت چند دهه، باور ایشان به رفع مشکلات در صورت انتقال به خارگ را تضعیف می‌کند. از طرفی استقرار تأسیسات نظامی در خارگ و کوچک بودن این جزیره، میزان واقع‌گرا بودن گزینه انتقال به خارگ را بسیار اندک جلوه می‌دهد. هرچند مخالفت با احداث کارخانه تولید گاز مایع در خارگ، غوغای رسانه‌ای و سیاسی زیادی در کشور و بالاخص استان بوشهر ایجاد کرد، ولی مردم بومی این جزیره تصور ساده‌ای از این مسأله دارند و به دور از پیچیدگی‌های فنی همراه با این تصمیم، آنها با احداث تأسیسات جدید در این جزیره موافق هستند. البته در گزارش مربوط به تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع محلی نشان داده شد که مسأله پیچیده‌تر از آن است که صرفاً بر مبنای خواست مردم – که بیشتر تحت تأثیر میل آنها به حل مشکل بیکاری است – درباره آن تصمیم‌گیری شود. اما موافقت عموم مردم خارگ با احداث تأسیسات جدید می‌تواند نشان دهنده این واقعیت باشد که خودجوش بودن مخالفت‌ها با احداث تأسیسات جدید محل تردید است. اگرچه تنها ۱۲/۲ درصد بومیان معتقدند که در آینده وضع بدتر خواهد شد و به این لحاظ بدبینانه‌ترین نگاه را دارند، لیکن ۳۷/۵ درصد مردم که معتقدند وضع به همین منوال باقی خواهد ماند و تغییری نمی‌کند را نیز، نمی‌توان خوشبین دانست زیرا وضع فعلی نیز برای مردم ناراضی کننده است. با این همه نمی‌توان از اکثریت خوشبین یا بدبین سخن گفت و بیشتر نوعی فضای ابهام بر مردم حاکم است زیرا نزدیک به ۴۰ درصد مردم اعتقاد دارند اوضاع بهتر خواهد شد. این فضای مبهم می‌تواند جلب اعتماد مردم را دشوار و نگاه ایشان را به اقدامات اصلاحی با تردید مواجه نماید. قطعاً برای تغییر این فضا، زمان نسبتاً طولانی و اقدامات اصلاحی زیادی لازم است.

ب: کارکنان صنعت نفت:

جدول شماره ۱- مهم ترین مشکلات خارگ از نظر کارکنان وزارت نفت

مشکلات	فراوانی	درصد
مشکل آب آشامیدنی	۹۲	۵۱/۶
نبودن امکانات حمل و نقل درون خارگ	۶۱	۳۴/۲
فقدان فضاهای فرهنگی و تفریحی	۵۴	۳۰/۳
نبودن امکانات حمل و نقل به بیرون خارگ	۴۴	۲۴/۷
بدی آب و هوا	۳۷	۲۰/۷
آلودگی هوا و محیط زندگی مردم	۳۵	۱۹/۶
دوری از خانواده و خویشاوندان	۳۰	۱۶/۸
مشکل فاضلاب شهری	۲۸	۱۵/۷
فقدان امکانات بهداشتی	۲۴	۱۳/۴
فقدان ارائه کالاها و خدمات ضروری به مردم	۲۴	۱۳/۴
فقدان بافت شهری و ساختار شهری	۲۳	۱۲/۹
گرانی زمین و مسکن	۱۵	۸/۴
بیکاری و نبودن شغل برای مردم بومی خارگ	۱۵	۸/۴
وضع نامناسب آموزش و پرورش	۱۵	۸/۴
نبودن مراکز خرید در جزیره خارگ	۱۳	۷/۳

اگرچه میان ساختار اولویت بندی مشکلات خارگ از نگاه بومیان و از نظر کارکنان وزارت نفت تفاوت هایی وجود دارد ولی شباهت هایی اساسی نیز در آنها مشاهده می شود. تفاوت های مشاهده شده از تفاوت جایگاه این دو گروه ناشی می شود. برای مثال برای کارکنان وزارت نفت در خارگ، شکل دوری از خانواده (مستقر در سایر شهرهای ایران) وجود دارد حال آن که بومیان خارگ چنین مشکلی ندارند. همچنین استقرار کارکنان وزارت نفت در منازل سازمانی سبب شده که آنها از لحاظ زمین و مسکن مشکلی احساس نکنند. با این حال مشاهده می شود که بومیان و کارکنان در اولویت داشتن مسائلی نظیر فقدان آب آشامیدنی یا فقدان حمل و نقل مناسب درون جزیره باهم توافق ندارند.

آسیب‌های اجتماعی در خارگ

بررسی‌های مقدماتی نشان داد که چهار آسیب مطرح در جزیره عبارتند از: استفاده از مواد مخدر، سرقت و دزدی، ناامنی و ایجاد مزاحمت برای زنان، و اخاذی و زورگیری. ۳۱ درصد از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که میزان استفاده از مواد مخدر در جزیره زیاد و به نظر ۱۸ درصد این میزان خیلی زیاد بوده است. در مجموع ۵۰ درصد از پاسخ‌گویان در این‌که استفاده از مواد مخدر در جزیره فراوانی زیادی دارد هم‌داستان بوده‌اند. اما درخصوص سایر آسیب‌های اجتماعی مورد اشاره بیشتر پاسخ‌گویان بر این عقیده بوده‌اند که بروز چندانی ندارند. ۸۲ درصد به اندک بودن سرقت و دزدی از منازل و مغازه‌ها، ۸۰ درصد به فقدان ناامنی برای زنان و دختران و ۹۶ درصد به بروز اندک اخاذی و زورگیری در جزیره اشاره کرده‌اند.

مهاجرت از خارگ

۶۱ درصد از پاسخ‌گویان اذعان کرده‌اند که شاهد خروج مردمان بومی از خارک هستند. با احتساب درصدی که کم و بیش وقوع این امر را صادق دانسته و مجموعاً ۷۸ درصد از پاسخ‌گویان مهاجرت بومیان از خارک را تأیید کرده‌اند. البته ۱۰ درصد نیز این موضوع را انکار و ۱۱ درصد نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. بنابر این با توجه به یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت خروج افراد بومی از خارک پدیده مشهودی است که قریب به اتفاق پاسخ‌گویان بر آن اجماع داشته‌اند.

اشتغال

بیشتر مردم بومی خارگ از عدم جذب و به‌کارگیری جوانان منطقه در شرکت‌های نفتی یا استفاده از آن‌ها در مشاغل سخت و طاقت‌فرسا ناراضی هستند. ۵۹ درصد از مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار کرده‌اند که شرکت‌های نفتی در جذب نیروی انسانی، بومیان را در اولویت قرار نمی‌دهند و در مقابل ۳۰ درصد از آنان عقیده داشتند که در این شرکت‌ها اولویت جذب با نیروهای بومی است. ۱۱ درصد در این موضوع بی‌نظر بوده و ۲ درصد نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند. بنابراین در جمع‌بندی میزان و نحوه استفاده از نیروهای بومی در شرکت‌های نفتی فعال در منطقه باید گفت به نظر پاسخ‌گویان، به ضرورت تأمین بخشی از نیروی انسانی مورد نیاز از منطقه توجه زیادی نمی‌شود.

براساس نتایج ۵۲/۶ درصد از پاسخگویان اعتقاد داشتند که از میان سازمان‌ها و شرکت‌های مستقر در خارگ، شرکت نفت قادر به تغییر و بهبود شرایط در جزیره است.

جدول شماره ۲- اولویت‌بندی اقدامات لازم برای بهبود وضعیت خارگ از نگاه کارکنان نفت

میانگین نمره	اقدامات لازم
۴/۷۱	بهبود وضعیت اشتغال بومیان خارگ
۴/۶۸	بهبود جمع‌آوری زباله‌های شهری
۴/۷۵	بهبود وضعیت جاده‌ها و حمل و نقل درون جزیره خارگ
۴/۶۸	بهبود حمل و نقل بین جزیره خارگ و شهرهای استان بوشهر
۴	مشخص کردن مالکیت زمین و مسکن در خارگ
۴/۴۹	بهبود وضعیت آموزش و پرورش و مدارس خارگ
۴/۷۴	بهبود وضعیت ارائه خدمات بهداشت و درمان به مردم در درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها
۴/۷۶	درست کردن وضعیت آب آشامیدنی خارگ
۴/۲۹	بهبود وضعیت آموزش فنی و حرفه‌ای در خارگ
۴/۵۱	ایجاد امکانات ورزشی در خارگ
۴/۵۷	ایجاد یا بهبود مراکز موجود فروش کالاهای مورد نیاز مردم
۴/۴۶	کمک مالی به مردم برای بازسازی و بالا بردن کیفیت خانه‌های مسکونی‌شان
۴/۵۶	اشتغال بیشتر مردم بومی در تأسیسات و کارخانه‌های ساخته‌شده در خارگ
۴/۷۲	ایجاد امکانات تفریح و سرگرمی
۴/۵۵	تقویت نیروی انتظامی و بالا بردن امنیت مردم
۴/۳۶	کاهش قیمت زمین و مسکن
۴/۸۸	کاهش دادن آلودگی هوا و محیط زیست خارگ

طبق مقیاس تعیین شده نمره یک بیانگر اهمیت اندک و نمره ۵ بیانگر بیشترین اهمیت یک اقدام محسوب می‌شود. همانگونه که مشاهده می‌شود همه اقدامات یادشده میانگین نمره‌ای بالاتر از ۴ احراز کرده‌اند و این بدان معنی است که از نظر پاسخگویان مشکلات و مسایل جدی در جزیره وجود دارد و بهبود شرایط کلی مردم مستلزم اقدامی همه جانبه و هماهنگ در همه زمینه‌ها می‌باشد. با این بین اهمیت و ضرورت اقدامات مختلف میان مصاحبه‌شوندگان

تفاوت‌های جزئی وجود دارد. غالب پاسخ‌دهندگان نمره ۵ را برای میزان اولویت همه اقدامات نوشته شده در جدول شماره ۲ قائل شده‌اند.

آینده سکونت در خارگ

کارکنان وزارت نفت نیز بر اساس تجربه زندگی در این جزیره و برداشت‌های خود از فضای حاکم بر نگاه مدیران وزارت نفت و سایر مسئولان به حضور بومیان، تصویری درباره آینده خارگ دارند که سؤالات زیر تلاشی است برای شناخت این تصورات.

جدول شماره ۳- ارزیابی پاسخ‌دهندگان از اقدام‌هایی دولت در قبال خارگ

درصد	فراوانی	اقدامات احتمالی دولت
۶/۷	۱۲	زمین‌های بیشتری به مردم می‌دهد تا در این منطقه زندگی کنند
۳۲/۶	۵۸	همین منطقه باقی‌مانده را بازسازی می‌کنند تا مردم زندگی بهتری داشته باشند.
۹	۱۶	به مردم بومی در مناطقی مثل گناوه-خورموج یا بوشهر زمین می‌دهند و آنها را به آنجا منتقل می‌کنند.
۱۸	۳۲	زمین‌های مردم رامی‌خرند و مردم را به جایی دیگر منتقل می‌کنند
۲/۲	۴	زمین‌های مردم رابه زورمی‌گیرند و مردم رابه جای دیگری منتقل می‌کنند
۱۶/۳	۲۹	همین طور که الان هست باقی خواهد ماند
۱۵	۲۷	نمی‌دائم
۱۰۰	۱۷۸	جمع کل

تأسیسات نفتی موجود در جزیره خارگ صرف‌نظر از اینکه برنامه‌ای برای توسعه آن وجود داشته باشد یا خیر، تأثیرات مختلفی بر زندگی ساکنان جزیره بر جای گذاشته‌اند. ارزیابی پیامدهای این تأسیسات و فعالیت‌های آنها بر زندگی مردم جزیره، اعم از مثبت یا منفی، مستلزم تحلیل داده‌های گردآوری شده از منابع مختلف است. یکی از منابع مهم داده در این رابطه، نگرش و ارزیابی جوامعی است که مستقیماً در معرض این پیامدها و به تبع آن در موضع مناسبی برای ارزیابی آنها قرار دارند. در بررسی حاضر نیز برای اطلاع از ذهنیت ساکنان جزیره در مورد فواید و زیانهای وجود تأسیسات نفتی در جزیره از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا در

قالب سوالات باز به مهم‌ترین فواید و معایب مترتب بر استقرار صنایع و تأسیسات نفتی در جزیره اشاره نمایند.

بیشترین فراوانی در میان مشکلات ذکر شده ناشی از استقرار صنایع و تأسیسات نفتی در جزیره به آلودگی هوا و محیط زیست مربوط است. ۵۴ درصد از مشکلات ذکر شده توسط پاسخ‌دهندگان به مشکل آلودگی هوا و ۲۷ درصد به مشکل آلودگی محیط زیست اشاره داشته است. با احتساب مشکلات آلودگی صوتی به طور کلی موضوع تقریباً ۸۳ درصد از مشکلات مورد اشاره پاسخ‌دهندگان، آلودگی بوده است. از نظر پاسخ‌دهندگان افزایش غیربومی‌ها در جزیره (۵ درصد)، اشغال زمین‌ها توسط کارخانه‌ها (۴ درصد)، افزایش ترافیک و شلوغی در جزیره (۳ درصد) و تورم و گرانی (۲ درصد) سایر مشکلات و پیامدهای منفی استقرار صنایع نفتی در جزیره محسوب می‌شوند.

جدول شماره ۴- مشکلات ناشی از تأسیسات ایجادشده در خارگ

مشکلات	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
آلودگی هوا	۱۱۱	۵۴/۱	۵۴/۱
آلودگی محیط‌زیست	۵۶	۲۷/۳	۸۱/۴
آلودگی صوتی	۴	۲	۸۳/۴
افزایش غیربومی‌ها	۱۱	۵/۴	۸۸/۸
افزایش نامنی و تبعیض	۲	۱	۸۹/۸
اشغال زمین‌ها توسط کارخانه‌ها	۹	۴/۴	۹۴/۲
افزایش ترافیک و شلوغی در	۷	۳/۴	۹۷/۶
تورم و گرانی	۵	۲/۴	
جمع کل	۲۰۵	۱۰۰	

اما پاسخگویان تأسیسات ایجادشده در خارگ را دارای پیامدهای مثبتی نیز دانسته‌اند. فراوانی منافع مختلف ناشی از ایجاد تأسیسات که مورد اشاره پاسخگویان قرار گرفته است در جدول شماره ۵ درج شده است.

جدول شماره ۵- منافع ناشی از تأسیسات ایجادشده در خارگ

مشکلات	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
افزایش درآمد مردم	۱۹	۱۰/۱	۱۰/۱
پیشرفت منطقه از لحاظ صنعتی	۱۹	۱۰/۱	۲۰/۲
توسعه و رونق جزیره	۱۲	۶/۴	۲۶/۶
پیشرفت فرهنگ مردم جزیره	۲	۱	۲۷/۶
رفاه بیشتر برای مردم	۶	۳/۲	۳۰/۸
رفع بیکاری و توسعه اشتغال در جزیره	۱۲۵	۶۶/۵	۹۷/۳
افزایش امکانات تفریحی	۱	۰/۶	۹۷/۹
افزایش شهرت و اهمیت جزیره	۴	۲/۱	
جمع کل	۱۸۸	۱۰۰	

به نظر پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین پیامد مثبت تأسیسات نفتی در خارگ را می‌توان به شکل کاهش بیکاری و افزایش میزان اشتغال مردم منطقه مشاهده کرد. ۶۶/۵ درصد از منافع ذکر شده به نوعی به موضوع اشتغال ارتباط داشته‌اند. دومین و سومین منفعت مهم این تأسیسات افزایش درآمد مردم (۱۰ درصد) و پیشرفت صنعتی در منطقه (۱۰ درصد) ذکر شده است. برخی نیز معتقد بودند این تأسیسات سبب توسعه و رونق جزیره (۶/۴ درصد) و رفاه بیشتر برای مردم جزیره (۳/۲ درصد) شده است. افزایش شهرت و اهمیت جزیره، ارتقای فرهنگی ساکنان و افزایش امکانات نیز از نظر افراد مورد مصاحبه جزء سایر فواید استقرار صنعت نفت در جزیره به شمار می‌رفته‌اند.

نگاهی به آینده خارگ

نگاه به آینده از موضع موارد مورد بررسی به دلیل اینکه عناصری از واقع‌بینی، امیدواری، نگرش و آمادگی عملی را در خود دارد، می‌تواند روش خوبی برای دستیابی به یک جمع‌بندی مناسب از موضوعات مختلفی باشد که در پیش از این درباره آنها بحث شد. از پاسخ‌دهندگان سوال شد آیا وضعیت جزیره در سال‌های آینده تغییری خواهد کرد یا خیر و این تغییرات در چه جهتی خواهد بود؟

۴۴/۴ درصد امیدوار بودند وضعیت بهبود یابد. ۳۵/۴ درصد احتمال تغییر در وضعیت کنونی را کم و ۱۰ درصد نیز قضاوت بدبینانه‌ای داشته و معتقد بودند که در آینده وضعیت جزیره بدتر از حال خواهد بود.

جدول شماره ۶- توزیع پاسخ‌دهندگان بر حسب میزان رضایت از زندگی در خارگ

میزان رضایت	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
خیلی کم	۲۴	۱۳/۵	۱۳/۵
کم	۲۶	۱۴/۶	۲۸/۱
کم و بیش	۹۰	۵۰/۶	۷۸/۷
زیاد	۲۵	۱۴	۹۲/۷
خیلی زیاد	۱۰	۵/۶	۹۸/۳
بی پاسخ	۳	۱/۷	۱۰۰
جمع کل	۱۷۸	۱۰۰	

موضوع آخرین سوال پرسشنامه میزان رضایت از زندگی ساکنان جزیره بود. در جدول شماره ۶ میزان رضایت از زندگی کارکنان شرکت نفت ذکر شده است. نیمی از افراد میزان رضایت خود را از زندگی در خارگ در حد متوسط، ۱۳/۵ درصد خیلی کم و ۱۴/۶ درصد کم عنوان کرده‌اند. در مجموع ۲۸ درصد اظهار داشته‌اند که میزان رضایت آنان از زندگی در خارگ کم است. در مقابل ۱۴ درصد از زندگی خود به میزان زیاد و ۵/۶ درصد نیز به میزان خیلی زیاد راضی بوده‌اند. به طور کلی از داده‌های جدول فوق چنین برمی‌آید که پاسخ‌دهندگان رضایت زیادی از زندگی در خارگ نداشته‌اند زیرا ۷۸/۷ درصد از آنها میزان رضایت خود را متوسط یا کمتر از آن اعلام کرده‌اند.

خلاصه دیدگاه کارکنان صنعت نفت

در یک نگاه کلی ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی خانوارهای کارکنان صنعت نفت را می‌توان به این شرح بیان نمود که یک خانواده متعلق به جامعه کارکنان صنعت نفت در جزیره، نوعاً یک خانواده ۵ نفره و با درآمدی به میزان ۳۷۱ هزار تومان است که در منزل مسکونی سازمانی با زیربنای ۱۶۳ متر و با دسترسی به بیشتر امکانات رفاهی (درخانه) زندگی می‌کنند. افراد مورد

بررسی با این که فاصله قابل توجه میان نوع منزل مسکونی و امکانات رفاهی مورد استفاده خود و بومیان را تأیید می‌کنند، از شرایط محل سکونت خود در حد متوسط رضایت داشته‌اند و مشکل دسترسی به آب آشامیدنی بهداشتی، فقدان امکانات حمل و نقل درون شهری و همچنین فضاها و امکانات تفریحی و فرهنگی و آلودگی هوا را مهم‌ترین مشکلات کنونی جزیره عنوان کرده‌اند. مهم‌ترین آسیب اجتماعی جزیره از نگاه پاسخ‌دهندگان مسأله اعتیاد به مواد مخدر بوده است.

جامعه کارکنان صنعت نفت مورد بررسی تأیید کرده‌اند که جریان آرامی از مهاجرت بومیان منطقه به شهرهای هم‌جوار مانند شیراز، اصفهان و بوشهر وجود دارد و انگیزه عمده این مهاجرت‌ها نیز اقتصادی است. زیرا با توجه به قیمت بالای اجاره خانه در خارگ، بومیانی که شیوه‌های پیشین امرار معاش خود مانند صیادی را از دست داده‌اند و سهم زیادی نیز از اشتغال ایجاد شده به واسطه استقرار صنایع نفتی در منطقه نداشته‌اند، ترجیح می‌دهند خانه‌های خود را با قیمت‌های بالا به کارگران و کارکنان نفتی اجاره داده و خود در شهرهای مجاور ساکن شوند.

در رابطه با مدیریت امور جزیره پاسخ‌دهندگان به جایگاه متفاوت نهادهای اجرایی محلی و شرکت نفت از حیث میزان اعتماد مردم به آن‌ها و توانایی آن‌ها برای حل مسایل کنونی جزیره اشاره کرده‌اند. در حالی که نهادهای اجرایی محلی بیشتر از شرکت نفت و مدیران آن‌ها محل اعتماد و وثوق بوده و تمایل آن‌ها برای بهبود شرایط جزیره محرز می‌باشد، باور عمومی بر این است امکان عملی تغییر و اقدام در جهت حل مشکلات مردم منطقه در اختیار شرکت نفت و مدیران آن است.

افراد مورد مصاحبه در مورد فواید و آثار مثبت حضور بومیان در جزیره برای زندگی کارکنان صنعت نفت اتفاق نظر داشته و گزینه‌هایی مانند انتقال بومیان به خارج از جزیره یا خارگ را غیر عملی و دارای تبعات منفی قلمداد کرده‌اند. از نظر آنان ایجاد تأسیسات جدید، بیش از آنکه دارای تبعات منفی باشد واجد آثار مثبتی چون افزایش درآمد کشور و توسعه اشتغال در منطقه است. در همین حال به وجود برخی آثار منفی مانند آلودگی هوا و محیط زیست نیز اشاره شده است.

موضع افراد مورد مصاحبه در مورد حل مشکلات کنونی جزیره امی دوارانه بوده و بیشتر آنان پیش‌بینی کرده‌اند اقداماتی در جهت بهبود شرایط موجود بدون اتخاذ تصمیمی در ارتباط با نقل و انتقال بومیان صورت خواهد پذیرفت. با این همه میزان رضایت از زندگی آنان در شرایط موجود در حد متوسط بوده است.

نتیجه گیری

صرف نظر از دیدگاه های مختلف در خصوص آثار مثبت و منفی استمرار حضور بومیان در جزیره خارگ بایستی، بیشتر از منظر تحقق امر توسعه اجتماعی به موضوع بومیان نگاه نموده و به آثار مترتب بر ایجاد فضای اجتماعی مناسب برای زندگی کارکنان صنعت نفت و تأمین رضایت نسبی ایشان بیندیشیم. آیا کماکان وضعیت زندگی انسانی در جزیره خارگ بایستی در وضع موجود و پایین تر از حد استاندارد سایر مناطق روستایی کشور باشد؟

چرا بایستی حدود ۳۲ درصد از کارکنان احتمال کمی برای تغییر در وضعیت کنونی جزیره تصور کنند؟ و حتی حدود ۱۰ درصد پیش بینی وضع بدتر برای جزیره داشته باشند؟ آیا امر مهم رضایت شغلی کارکنان صنعت نفت اقتضا نمی کند به تعیین تکلیف و آینده جزیره بیندیشیم؟ چه سازمان و دستگاهی مسوولیت توجه و تعیین تکلیف توسعه آتی خارگ را بر عهده خواهد داشت؟

امروزه با توجه به تقسیمات جغرافیایی کشور، وجود قومیت‌ها و تفکیک منطقه‌ای و ناحیه‌ای، مردم هر استان، شهرستان، بخش و دهستانی برای توسعه خود برنامه ریزی نموده و بعضاً شاهد هستیم همایشها و سمینارهای توسعه منطقه‌ای و (حتی روستائی) با فراخوان و حضور همشهری‌ها بخصوص دانشگاهیان و متخصصان و اندیشمندان هر بخش تشکیل شده و راهکارهای بومی، اجرایی و عملی برای توسعه منطقه طراحی و ارائه می شود. اما در خارگ چه گروه، سازمان NGO ای بایستی به فکر برنامه توسعه جزیره باشد؟

با توجه وجود بیش از ۴ هزار نفر از کارکنان صنعت نفت، چه سازمانی از نفت سزاوارتر و محق تر برای اندیشیدن به این مهم و ایجاد فضای مناسب زندگی انسانی در جزیره است هم موجب دلگرمی و جلب رضایت کارکنان خود شده و هم محیط مناسب برای زندگی بومیان را فراهم نماید.

مروری بر نتایج برخی پژوهش‌های انجام شده نشان می دهد استمرار اجرای طرح‌های اقماری، مشکلات روحی، روانی و فرهنگی متعددی برای کارکنان صنعت نفت و خانواده های آنها ایجاد نموده است. و از سوی دیگر هیچ برنامه خدماتی - رفاهی به اندازه تأمین محیط زندگی مناسب اجتماعی، قادر نخواهد بود رضایت کارکنان صنعت نفت را تأمین نماید.

علاوه بر این مسوولیت ملی و حکومتی صنعت نفت به عنوان یکی از صنایع مادر کشور اقتضا می کند به عنوان ارشد سازمان‌ها و نهادهای موجود در جزیره خارگ، نسبت به سرنوشت مردم و بومیان بی تفاوت نبوده، کما اینکه در حال حاضر نیز کمک‌های متعددی در زمینه های

مختلف توسط این صنعت همراه با ارائه خدمات در جنبه های مختلف به مردم بومی، نشانگر وجود عزم و اراده و حس مسوولیت پذیری صنعت نفت است. اما شایسته است به جای موضع انفعالی و سعی در اجابت تقاضای موردی مردم و نهادهای محلی که بیشتر به عنوان نوعی مُسکن برای روزمرگی حیات اجتماعی تلقی می شود، تلاش های وزارت نفت صرف مطالعه و اجرای طرح های زیربنایی توسعه و تجهیز زیر ساخت هایی که در شأن و متناسب با ابعاد وسیع حضور صنعت نفت در جزیره خارگ است، گردد.

منابع و مأخذ:

- سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۵
- مهندسان مشاور گزینه. (۱۳۸۱الف) طرح ساماندهی و توسعه جزیره خارگ: مطالعات منطقه ای. جلد اول.
- مهندسان مشاور گزینه. (۱۳۸۱ب) طرح ساماندهی و توسعه جزیره خارگ: مطالعات اکولوژیک. جلد دوم.
- مهندسان مشاور گزینه. (۱۳۸۱ج) طرح ساماندهی و توسعه جزیره خارگ: مطالعات اجتماعی و اقتصادی. جلد سوم.
- مهندسان مشاور گزینه. (۱۳۸۱چ) طرح ساماندهی و توسعه جزیره خارگ: مطالعات کالبدی و تأسیسات زیربنایی. جلد چهارم.
- مهندسان مشاور گزینه. (۱۳۸۱ح) طرح ساماندهی و توسعه جزیره خارگ: تجزیه و تحلیل و الگوها. جلد پنجم.
- مهندسان مشاور گزینه. (۱۳۸۱خ) طرح ساماندهی و توسعه جزیره خارگ: فرایند طرح جامع خارگ.
- مهندسان مشاور گزینه. (۱۳۸۱د) طرح ساماندهی و توسعه جزیره خارگ: طرح ساماندهی و توسعه و برنامه های عمرانی. جلد ششم.
- مهندسان مشاور گزینه. (۱۳۸۱ذ) طرح ساماندهی و توسعه جزیره خارگ: مفاهیم، ضوابط و مقررات طرح جامع خارگ. جلد هفتم.